

آورد، خدمت پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و پیام داد: «تَقْرَأُ عَلَيْكَ ابْنُكَ السَّلَامَ وَ تَقُولُ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ با سلام و احترام، دختری می گوید: این [زیور آلات اندک] را در راه خدا انفاق کن!»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از مشاهده بخشش و ایثار فاطمه علیها السلام سه بار فرمود: «فَدَاهَا أَبُوهَا؛ پدرش فدای او باد!»

۲. تو، پدر صدا بزن
محبت نوعاً طرفینی است و
پر بارترین محبت این گونه است که:

چه خوش بی مهربانی هر دوسری
که یک سر مهربانی درد سربی
اگر مجنون دل شوریده ای داشت
دل لیلا از او شوریده تر بی
اگر فاطمه زهرا علیها السلام آن چنان
ارادت و محبت به پدر بزرگوار داشت،
پدر نیز نهایت درجه علاقه و محبت را
به دختر معصومه، خویش داشت.

فاطمه علیها السلام می گوید: «وقتی آیه ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ

بین آن دو حاکم بوده که نمونه آن را نمی توان یافت. قطعاً هر چه رابطه محبت قوی تر باشد، جدایی، آن هم به صورت رحلت از این جهان، دردناک تر و سوزناک تر خواهد بود.

الف. رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام

۱. جلب رضایت پدر

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هر گاه به مسافرت می رفت، با فاطمه علیها السلام خداحافظی می کرد و وقتی از سفر بر می گشت، ابتدا به دیدن فاطمه علیها السلام می شتافت.

همزمان با یکی از مسافرت های پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام در غیاب پدر دو دستبند نقره و یک جفت گوشواره برای خویش و یک پرده برای درب منزل خرید. پیامبر صلی الله علیه و آله از مسافرت بازگشت و به دیدار دخترش شتافت. پس از مشاهده پرده خانه و زیور آلات فاطمه علیها السلام توقف کوتاهی کرد و به مسجد رفت.

حضرت زهرا علیها السلام با خود اندیشید که چرا پدر گرفته به نظر می رسید. فوری دستبند و گوشواره و پرده را در

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۰؛ مسند احمد حنبل، ج ۵، ص ۲۷۵.

۱. ناله در هنگام رحلت

در لحظه‌های غمبار رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و واپسین لحظه‌های عمر او در این دنیا، امیر مؤمنان علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام در اطراف بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زده و با چشمانی اشکبار نظاره گر غروب خورشید رسالت بودند. حضرت خواست سخنی بفرماید، اما نتوانست و با چشم اشکبار، بی حال در بستر افتاد.^۳ فاطمه علیها السلام با مشاهده این منظره به فریاد آمد و اظهار داشت:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ قَطَعْتَ قَلْبِي وَأَخْرَقْتَ كَيْدِي لِيَكَايِكَ يَا سَيِّدَ النَّبِيِّينَ مِنَ الْأَوْلِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَيَا أَمِينَ رَبِّي وَرَسُولَهُ وَيَا حَبِيبَهُ وَنَبِيَّهُ مَنْ لِيُؤَلِّدِي بَعْدَكَ وَلِذَلِكَ يَنْزِلُ بِي بَعْدَكَ مَنْ لِقَلْبِي أُخِيكَ وَنَاصِرَ الدِّينِ مَنْ لِيُوَحِّيَ اللَّهُ وَ أَمْرُو؟^۴ ای رسول خدا! به حقیقت قلبم

بغضاً؛^۱ «رسول خدا را آن گونه که همدیگر را صدا می‌زنید، نخوانید!» نازل شد، ترسیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله را با لفظ «ای پدر» بخوانم؛ لذا [من هم مانند دیگران پدر را] با لفظ «یا رسول الله» صدا زدم. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله یک بار یا دو بار یا سه بار از من روی گردانید [و پاسخم را نگفت]. سپس رو کرده به من و فرمود: ای فاطمه این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است. تو از من هستی و من از تو هستم. همانا این آیه برای [ادب کردن] جفاکاران درشت خوی قریش... نازل شده است. و اما تو ای فاطمه! «قُولِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أُخِيًا لِقَلْبِي وَأَرْضِي لِلرَّبِّ؛ [مرا با جمله] «ای پدر» خطاب کن که این جمله بیشتر قلب [مرا] حیات می‌بخشد و خداوند را بیشتر خشنود می‌سازد.»^۲

ب. فاطمه علیها السلام در سوگ پدر

روشن است دختری که آنچنان علاقه و محبتی به پدر خویش دارد، در سوگ از دست دادن او چه خواهد کرد و چگونه عزاداری و سوگواری خواهد نمود؟ مخصوصاً اگر این مصیبت همراه با مصیبت‌های دیگری شود.

۱. نور / ۶۳.

۲. بحار الانوار، ص ۴۳۲؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۲۰؛ حلیة الابرار، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۹.

۳. ر. ک: فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۴۲.

۴. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۸۴؛ کتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۳۹۹.

آلودی فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
انْقَطَعَ عَنَّا خَيْرُ السَّمَاءِ؛^۱ همه از خداییم و
به سوی او باز می گردیم. [آه که با وفات
پیامبر صلی الله علیه و آله] وحی و خبر آسمانی از ما
قطع گردید.»

روایت معاذ

از معاذ بن جبل نقل شده است که
فاطمه علیها السلام پس از وفات رسول
خدا صلی الله علیه و آله فراوان می گریست و
می فرمود: «يَا أَبَتَاهُ إِلَيَّ جَبْرَيْلُ نَسَعَاهُ
انْقَطَعَتْ عَنَّا أَجْبَازُ السَّمَاءِ يَا أَبَتَاهُ لَأَ يَنْزِلُ
الْوَحْيُ إِلَيْنَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ أَبَدًا؛^۲ آه ای پدر!
پس از تو باید شکوه های دل را به
جبرئیل گفت. [با وفات تو] خبرهای
آسمانی قطع شد. آه ای پدر! دیگر برای
همیشه از طرف خدا وحی فرو
فرستاده نمی شود.»

روایت انس

از انس بن مالک نقل شده است که
حضرت زهرا علیها السلام پس از وفات
پیامبر صلی الله علیه و آله با غم و اندوه می گریست و

را از جا کندی و جگرم را آتش زدی به
خاطر گریه و اشکی که جاری ساختی،
ای بزرگ تمامی پیامبران! ای امین
پروردگار! و ای فرستاده و محبوب و
پیامبر خدا! بعد از تو چه کسی [حامی]
برای فرزندانم خواهد بود؟ و [دفع
کننده] خواریهایی که بعد از تو بر من
باریدن خواهد گرفت؟ و چه کسی
[ناصر] برای علی برادرت و یاور دین
خواهد بود؟ پس از تو چه بر سر وحی
و فرمان الهی خواهد آمد؟»

آن گاه خود را در آغوش پدر
افکند، پدر را بوسید و با اشک فراوان
گونه پدر را شست. رسول خدا صلی الله علیه و آله با
همان حال، دست فاطمه علیها السلام را در
دست علی علیه السلام گذاشت و فرمود: «علی
جان! فاطمه امانت خدا و امانت من در
دست توست؛ از او محافظت فرما!»

نبی در بستر و زهرا کنارش

عزیز قلب او شد بی قرارش

بگوید دخترم کمتر نوا کن

برای رفتن بابا دعا کن

۲. ناله از رحلت پدر در جمع زنان مدینه

پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فاطمه علیها السلام در اجتماع زنان با بیان غم

۱. احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۳۵؛ مقتل

الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۸۰، فصل ۵.

۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۵، به نقل از:

فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ص ۴۴.

می فرمود: «يَا أَبَتَاهُ أَجَابَ رَبًّا دَعَاهُ يَا أَبَتَاهُ مَنْ جَنَّتْهُ الْفِرْدَوْسِ مَأْوَاهُ يَا أَبَتَاهُ إِلَى جَبْرِئِيلَ نَنْعَاهُ، آه ای پدر که دعوت پروردگار را لبیک گفتی! آه ای پدر که بهشت فردوس جایگاه توست! و آه ای پدر! [پس از تو] با جبرئیل درد دل می کنیم. «و گاه این اشعار را می خواند:

«ذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ
وَ ذِكْرُ أَبِي مُذْمَمَاتٍ وَاللَّهِ أَزِيدُ
تَأْمَلْ إِذَا الْأَخْرَافُ فِيكَ تَكَافَرَتْ
أَعَاشَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْ ضَمَّ الْقَبْرُ»^۱

هر کس بمیرد، یادش کم می گردد،
به جز پدرم رسول الله که هر روز یاد او
فزونی می گیرد.

بیندیش هنگامی که غم و اندوه در
جانت فراوان می گردد، آیا رسول خدا
زنده است یا خاک قبر، او را از یادها
برده است.»

۳. اذان بلال و گریه بر پدر

بعد از وفات رسول خدا ﷺ
حضرت فاطمه علیها السلام به یاد دوران با شکوه
و پر عظمت اسلام و نبوت افتاد و فرمود:
«إِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَ مُؤَذِّنِ أَبِي ﷺ
بِالْأَذَانِ»^۲ به راستی دوست دارم و مشتاقم
که صدای اذان [بلال] مؤذن پدرم را - که

دروود خدا بر او و اهل بیت او باد! - بشنوم.»
وقتی این خبر به بلال رسید، با
اینکه از اذان گفتن اعتصاب کرده بود،
آماده شد و اهل مدینه یک بار دیگر
صدای دلنشین اذان بلال را شنیدند.

شهر در شادی و سرور غرق شد تا
آنکه گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»؛
ناگاه به بلال خبر رسید که اذان را رها
کن که فاطمه زهرا علیها السلام بر اثر شنیدن نام
پیامبر صلی الله علیه و آله بیهوش و نقش بر زمین شده
است.^۳

۴. کجاست مهربان ترین پدر؟

حضرت زهرا علیها السلام روزی در جمع
کودکان خویش با نگاهی به آنها به یاد
پدر مهربان خویش و محبت های او
نسبت به فرزندانش افتاد و این گونه غم
دل خود را اظهار کرد و خطاب به
حسین علیه السلام فرمود: «أَيْنَ أَبُوكُمَا الَّذِي كَانَ
يُكْرِمُكُمَا وَيَحْمِلُكُمَا مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ أَيْنَ أَبُوكُمَا
الَّذِي كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ شَفَقَةً عَلَيْكُمَا فَلَا

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳؛ ریاحین
الشريعة، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷، ح ۷؛ الوافی،
فیض کاشانی، ج ۷، ص ۵۷۱، ح ۶۶۱۳.

۳. فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ص ۵۰.

خادمه نقل می‌کند که روزی فاطمه علیها السلام با بی‌تابی از منزل بیرون آمد، در حالی که از گریه و درد، حال رفتن نداشت. خود را به قبر پدر رساند و آن‌گاه که جایگاه اذان و محراب را [که دیگری غصب کرده بود] مشاهده کرد، فریادی بر آورد و بیهوش نقش بر زمین شد. زنان مدینه که وضع را چنان دیدند، به سوی او دویدند و آب بر سر و صورت آن حضرت پاشیدند تا به هوش آمد. سپس در حالی که به قبر پدر خیره شده بود، فرمود: «رُفِعَتْ قُوَّتِي وَ خَانَنِي جَلْدِي وَ شَمَّتْ بِي عَدُوِّي وَ الْكَمَدُ قَاتِلِي يَا أَبَتَا بَقِيَّتِ وَالْهَةُ وَ حَيْرَانَةُ فَرِيدَةُ فَقَدْ اِنْخَمَدَ صَوْتِي وَ انْقَطَعَ ظَهْرِي وَ تَنَغَّصَ عَيْنِي وَ تَكَدَّرَ دَهْرِي؛ قوتم رفت و خویشتن داری‌ام را از دست دادم و دشمنم سرزنش کننده‌ام شد و حزن و اندوه درونی قاتلم گشت. پدر جان! یکه و تنها باقی مانده و در کار خویش حیران و سرگردانم. صدایم خفته و پشتم شکسته و زندگی‌ام در هم ریخته و روزگارم تیره شده است.»

يَدْعُكُمَا تَمْشِيَانِ عَلَى الْأَرْضِ وَ لَأَ أَرَاهُ يَفْتَحُ هَذَا النَّيَابَ أَبَدًا وَ لَأَ يَخْمِلُكُمَا عَلَى عَائِقِهِ كَمَا لَمْ يَزَلْ يَفْعَلُ بِكُمَا؛^۱ کجاست پدر [مهربان] شما دو نفر (حسنین) که شما را عزیز و گرامی می‌داشت و همواره شما را بر دوش خود می‌برد، کجاست پدر شما که مهربان‌ترین مردم نسبت به شما بود که شما را راه نمی‌کرد تا بر روی زمین راه بروید؟ دیگر هرگز او را نمی‌بینم که این درب منزل را باز کند و شما را بر دوش خود گیرد؛ همان رفتاری که همواره نسبت به شما انجام می‌داد.»

ج. شکوه‌های زهرا علیها السلام همراه با ناله‌های جانسوز

زهرا علیها السلام نه تنها در سوگ پدر و از دست دادن پیغمبر خویش ناله می‌زد، که از دردها و انحرافات و مصیبت‌هایی که بر اسلام و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام وارد شده بود و اهانت‌هایی که نسبت به او روا داشته بودند، شکوه می‌کرد و کنار قبر پیغمبر و یا احد و بیت الاحزان ناله سر می‌داد. در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. شکوه از تنهایی

ورقة بن عبد الله از دی از فضا

۱. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۱۹؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۶۲.

خشک و تر آن حکایت از شبهای تاریک دارد. ای پدر! همواره بر تو دریغ و افسوس می‌خورم تا روز ملاقات. ای پدر! از آن لحظه که جدایی پیش آمد، خواب در چشمم نمی‌آید. ای پدر! کیست از این پس که بیوگان و مسکینان را رعایت کند و امت را تا قیامت هدایت فرماید.

ای پدر! بعد از تو مستضعف شدیم. ای پدر! مردم از ما رو گردان شدند، در حالی که در حضور تو عظیم و عزیز بودیم، نه تضعیف شده.

کدام سرشک است که در فراق تو روان نمی‌شود و کدام حزن و اندوه است که بعد از تو پیوسته نمی‌گردد و کدام چشم است که پس از تو سرمه خواب می‌کشد؟ تو بهار دین خداوند بودی و نور پیغمبران. چرا کوهسارها فرو نمی‌ریزند و چه پیش آمده که دریاها نمی‌خشکند و چگونه است که زلزله‌ها زمین را فرو نمی‌برند؟

ای پدر! در بلا و رنجی عظیم و مصیبتی شگرف افتادم و در زیر بار

آن‌گاه ادامه داد: «فَمَا أَجِدُ يَا أَبَتَاهُ بَعْدَكَ أَيَسًا لَوْ حَشَيْتِي وَلَا رَادًّا لِدَمْعَتِي وَلَا مُعِينًا لِضَعْفِي؛... پدر جان! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی‌یابم و مانعی برای گریه‌ام و یآوری برای ضعفم پیدا نمی‌کنم.»

و سپس فرمود: «انْقَلَبْتُ بَعْدَكَ يَا أَبَتَاهُ الْأَسْنَابُ وَ تَغَلَّقَتْ دُونِي الْأَبْوَابُ فَأَنَا لِلدُّنْيَا بَعْدَكَ قَالِيَةٌ وَعَلَيْكَ مَا تَرَدَّدَتْ أَنْفَاسِي بِأَكْبَةِ لَا يَنْفَعُ شَوْقِي إِلَيْكَ وَلَا حُزْنِي عَلَيْكَ ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبَتَاهُ وَالْأَبَاءُ؛ پدر جان! پس از تو اسباب [و روابط انسانها] دگرگون شد و درها به روی من بسته گردید. من بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی که نفسم بر آید، بر تو گریه خواهم کرد و شوق من نسبت به تو و حزن من بعد از تو انجام و پایانی ندارد. فریاد ای پدر! و فریاد ای پروردگار [جهانیان]!»^۱

۲. شکوه از دردها و خیانتها

پس از فراوانی غمها و تهاجم قدرت طلبان بی‌پروا و سختی تحمل دوری پیامبر ﷺ، خطاب به پدر اظهار داشت: «دنیا به دیدار تو با رونق و بها بود و امروز در سوگواری تو انوار او بریده و گل‌های او پژمرده شده است و

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶؛ کتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۴۸۷.

گران و هولناک ماندم. ای پدر! فرشتگان بر تو گریستند و افلاک در ایستادند و منبرت بعد از تو وحشتناک شد و محرابت بی مناجات تو معطل ماند و قبر تو بپوشیده داشتن تو خوشحال گشت و بهشت مشتاق نماز و دعای تو شد.»^۱

۳. شکوه از تنهایی و مصائب علی علیه السلام

حادثه غمبار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از یک سو، انزوای اسلام و زنده شدن قدرت طلبیها و ارزشهای جاهلی از سوی دیگر و تهاجم و تجاوز به حریم ولایت و تنهایی علی علیه السلام از سوی سؤم، کوهی از غمها و دردها را بر دوش زهر علیه السلام قرار داده بود که گاه مجبور می شد با ناله های جانسوز و دردآلود خطاب به پدر بگوید: «يَا أَبَتَاهُ مَا أَغْظَمَ ظُلْمَةً مَجَالِسِكَ فَوَا أَسْفَاةَ عَلَيْنِكَ إِلَى أَنْ أَقْدِمَ عَاجِلًا عَلَيْنِكَ؛ پدر جان! [دریغ و آه] چه بسیار بزرگ است تاریکی و ظلمتی که در مجالسی پس از تو مشاهده می گردد. پس دریغ و افسوس بر [فقدان] تو تا زمانی که هر چه زود نزد تو آیم.»

«وَأُنْجِلَ أَبُو الْحَسَنِ الْمُؤْتَمِنَ أَبَوْ وَلَدَيْنِكَ

الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَأَخُوكَ وَوَلِيَّكَ وَحَبِيبَكَ
وَمَنْ رَيْبَتْهُ صَغِيرًا وَوَأَخْبَيْتَهُ كَبِيرًا وَأَحْلَى
أَخْبَابِكَ وَأَصْحَابِكَ إِلَيْكَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ سَابِقًا
وَمُهَاجِرًا وَنَاصِرًا وَأَوْلَهُمْ سَابِقًا إِلَى الْإِسْلَامِ وَ
مُهَاجِرَةَ إِلَيْكَ يَا خَيْرَ الْأَنَامِ فَهَذَا هُوَ مُسَاقُ فِي
الْأَسْرِ كَمَا يُسَاقُ الْبَعِيرُ وَالشَّكْلُ شَامِلُنَا وَالْبِكَاءُ
قَاتِلُنَا وَالْأَسَى لَنَا زِمْنَا؛ و [در عزای تو] ابا
الحسن امینی سوگوار است؛ پدر دو
فرزندت حسن و حسین، برادر و امام
برگزیده و دوست بی مانند تو؛ همو که
از کودکی تربیتش کردی و سپس برادر
خواندی؛ او که از بزرگ ترین دوستان و
محبوب ترین اصحاب در پیشگاه تو
بود؛ او که در پذیرش اسلام از همه
پیشی گرفت و یاور دین گشت و
هجرت کرد. ای بهترین انسانها! اکنون
[بیا و بنگر که] او را اسیر گونه [به طرف
بیعت تحمیلی] می کشند و می برند،^۲
[پدر جان!] غم سوگواری [تو] ما را فرا
گرفته و گریه [های مداوم] قصد جان ما
دارد و بدی روزگار دامنگیرمان شده
است.»

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶؛ کتاب عوالم، ج

۱۱، ص ۴۸۶.

۲. این عبارت نقل به مضمون می باشد.

من در سایهٔ محمد ﷺ در حمایت
و حفاظت به سر می‌بردم و از هیچ
دشمنی و کینه‌ای نمی‌ترسیدم و او جان
من بود.

امروز در برابر فرومایگان
خاضع و باک دارم به من ستم شود که
ظالم را با چادرم دفع می‌کنم.
اگر قمری شب هنگام بر شاخه‌ای
بگرید، من صبحگاهان می‌گیرم.

بعد از تو حزن و اندوه را مونس
خود خواهم ساخت و اشک را اسلحه
خود قرار خواهم داد.»

شدم از بعد تو بی‌یار، بابا
دچار محنت بسیار، بابا
چه گویم با تو من از تازیانه
چه گویم از در و دیوار بابا
ز جا برخیز و بین با سینهٔ من
چه کرده ضربت مسمار بابا
کنم تا کی مکان در بیت الاحزان
من دل خسته و افکار، بابا^۳

فاطمه زهرا علیها السلام وقتی که به این
قسمتها می‌رسد، تحملش کم می‌شود
و ناله‌اش بلند می‌شود که: «فریاد ای
محمد! فریاد ای پدر! فریاد ای دوست!
فریاد ای ابا القاسم! فریاد ای احمد!
فریاد از کمی یاران! فریاد از ناله بسیار!
فریاد از مشکلات فراوان! فریاد از
مصیبت و اندوه زیاد! و فریاد از
مصیبت جانکاه!»^۱ پس از این فریادها
صیحه‌ای زد و بیهوش بر زمین افتاد.

و گاه در ضمن اشعاری شکوه‌ها
را بیان می‌فرمود، از جمله می‌فرمود:

قُلْ لِلْمَعْتَبِ تَحْتَ أَطْبَاقِ الثَّرَى
إِنْ كُنْتُ تَسْمَعُ صَرَخَتِي وَ نِدَائِي
فَدَكُنْتُ ذَاتَ جَمِيٍّ يَظِلُّ مُحَمَّدٌ
لَا أَخْشَى مِنْ ضَمِيمٍ وَ كَانَ جَمَالِيَا
فَسَالِيَوْمَ أَخْشَعُ لِلذَّلِيلِ وَ أَتَقِي
ضَمِيمِي وَ ادْفَعُ ظَالِمِي بِرِدَائِيَا
فَإِذَا بَكَتْ قُصْرِيَّةٌ فِي لَيْلِيَا
شَجْنَا عَلَى غُصْنِ بَكِيَّتِ صَبَاحِيَا
فَلَأَجْعَلَنَّ الحُزْنَ بَعْدَكَ مُوسِيَا

وَلَأَجْعَلَنَّ الدَّمَعَ فِيكَ وَ شَاحِيَا؛^۲

«بگو به آن که در زیر طبقات زمین
پنهان است: آیا صدای ناله و فریاد مرا
می‌شنوی؟

۱. احقاق الحق، ج ۱۰، صص ۴۲۷ - ۴۳۰؛

ریاحین الشریعة، ج ۱۰، ص ۲۴۹.

۲. کتاب عسوالم، ج ۱۱، ۴۵۴؛ مناقب، ج ۱،
ص ۲۴۲.

۳. اصول مداحی، ناصری نژاد، ج ۲، ص ۴۹.

۴. شکوه از خیانت منافقان کینه توز

ام سلمه می گوید: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و پرسیدم: ای دختر رسول خدا! شب را چگونه صبح کردی؟ حالت چگونه است؟ فرمود:

«أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَكَرْبٍ فَقَدَ النَّبِيُّ وَظَلِمَ الْوَصِيُّ هَيْتَكَ وَاللَّهِ حِجَابَهُ مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتَهُ مُقْبَضَةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَسَنَهَا النَّبِيُّ فِي التَّأْوِيلِ وَلَكِنَّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِيَّةٌ وَتَوَاتَتْ أَحَدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ الثَّقَافِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ؛^۱ صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دست رفته و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند به خدا! حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن و سنت و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله در تأویل [و تفسیر] قرآن، حق امامت او را غصب کردند و به دیگران سپردند. این گونه برخوردهای خصمانه از کینه توزیهای جنگ بدر و خونخواهی کشتگانشان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق آمیز و اندیشه فتنه انگیزشان پنهان بوده است و تاکنون جرئت اظهار آن را نداشتند.»

«قَلَمَا اسْتَهْدَفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَائِبَ آثَارِ مِنْ مَسْجِلَةِ الشِّسْقِاقِ فَيَقْطَعُ وَتَرَّ الْإِيْمَانِ مِنْ قَسَمِي صُدُورَهَا وَلَبِئْسَ عَلَى مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَكَفَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَخْرَزُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْيَا بَعْدَ اسْتِنْصَارِ مِمَّنْ فَتَكَ بِآبَائِهِمْ فِي مَوَاطِنِ الْكَرْبِ وَمَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ؛^۲ تا در آن هنگام که حکومت الهی با زیجه دست قدرت طلبان گردید. آتش کینه های دیرینه شان زبانه کشید و باران مصیبتها بر ما فرو ریختند و رشته های ایمان را دریدند و نسبت به وعده های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت [پیامبر صلی الله علیه و آله] و سرپرستی مؤمنان چه زشت عمل کردند. افسوس که فریب دنیا را خوردند و در جهت انتقام گرفتن از پدران [مشرک و منافق] خود که در جنگهای اسلامی کشته شدند، اقدام کردند.»

۵. شکوه از غصب امامت

در ضمن فقرات حدیث پیش گفته، از غصب امامت مطالبی بیان شد. از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۵.
۲. همان مدارک.

فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام از امت ساکت و بی تفاوت و از ابوبکر و عمر، در پیش پروردگار خود، شکوه‌ها مطرح می‌کرد، در حالی که اشکهای او جاری بود، از جمله فرمود: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبِيَّكَ وَرَسُولَكَ وَصَفِيَّكَ وَازْتَدَادَ أُمِّيهِ عَلَيْنَا وَمَنْعَهُمْ إِيَّانَا حَقَّقَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ»^۱ خدایا! به سوی تو شکایت می‌کنیم به خاطر اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده‌ات و [به تو شکایت می‌کنیم] از ارتداد امت پیامبر صلی الله علیه و آله علیه ما و اینکه ما را از حَقمان باز داشتند؛ همان حقی را که در کتاب نازل شده بر پیامبرت، برای ما قرار دادی.»

۶. آخرین شکوه‌ها و آرزوی مرگ

راستی داغهای جانسوز و مصائب کمر شکنی بعد از وفات پدر بر دل و جان زهرا علیها السلام فرو ریخت که هر یک به تنهایی می‌توانست یک انسان مقاوم را از پا در آورد؛ اما زهرا علیها السلام همه آنها را تحمل کرد تا آنجا که تحمل و صبر از پا در آمدند و آنچه را که سالها قبل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اصحاب فرموده بود، پیش آمد.

آن حضرت به اصحاب خبر داد که:

دخترم آن چنان در امواج بلاها و مصیبتها، غمناک و نگران می‌شود که دست به دعا بر داشته، از خدا آرزوی مرگ و شهادت می‌کند و می‌گوید: «يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ سَمِئْتُ الْحَيَاةَ وَتَبَرَّمْتُ بِأَهْلِ الدُّنْيَا فَأَلْحِقْنِي بِأَيِّ... يَا إِلَهِي عَجَلْ وَقَاتِي سَرِيعاً»^۲ پروردگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده‌ام و از اهل دنیا، بلاها و مصیبتهای ناگوار دیدم. خدایا! مرا به پدرم [رسول خدا] ملحق کن و مرگ مرا زود برسان!»

گل بر من و جوانی من گریه می‌کند

بلبل به همزبانی من گریه می‌کند

من گریه را نهان کنم اما علی مدام

بر گریه نهانی من گریه می‌کند

دیگر حسین را نتوانم به برگرفت

این گل به باغبانی من گریه می‌کند

از درد شانه، شانه نشد سوی زینب

زینب به ناتوانی من گریه می‌کند

من پیر در بهار جوانی شدم که چون

پیری بر این جوانی من گریه می‌کند^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹ و ج ۴۳، ص ۱۵۶

و ۲۱۴؛ کتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۴۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷؛ احقاق الحق، ج

۱۹، ص ۱۶۰.

۳. اصول مداحی، ج ۲، ص ۹۰.